

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداب
۱۶ جولای ۲۰۱۹

[عیادت بیمار]-۲

ای بتِ مَه لَقای شیرینم به خدا بُرده ای دل و دینم
سوی دَر روز هاست می بینم انتظار تو تا به گی شینم
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم
به لب من رسید جان من زار شد جسم ناتوان من
نامی ماندست از نشان من توئی هم روح و هم روان من
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم
پای کُو تا بَرَد لب جویم روی با آب دیده می شویم
نیست کس خود به خود سخن گویم بوریائی ست زیر پهلویم
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم
من ندارم قرین و دل سوژی پرسشم را نکرد کس روزی
قسمتم نیست روزِ فیروزی نیست بر مرگ من کفن دوزی
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم
باری بنمای روی نیکویت تا ببینم به چشم دل سویت
سرمن را بنه به زانویت جان دهم زیر تیغ ابرویت
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم

به تو من آشنای دیرینم بهتر هستی زجان شیرینم
خبر هستی ز کیش و آئینم رحم بنمای بگذر از کینم
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم

چون مسافر درین دیار توام زنده از نکهت بهار توام
سبب عزت و افتخار توام به خدا جان من، به کار توام
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم

ریخت بر روی خاک برگ و برم آتش عشق سوخت خشک و ترم
گل زد از داغ پاره جگرم ناله دارم تو گونی نوحه گرم
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم

سر من درد می کند بسیار پای من رفته است از رفتار
گشته ام همچو صورت دیوار بی تو هستم ز زندگی بیزار
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم

گمشده پیش تو لیاقت من شسته ای دست از رفاقت من
گر چه میرنجی از شکایت من طاق گردیده است طاقت من
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم

گر نیائی تو، چیست معذوری یا که بر حسن خویش مغروری
من به غم سوختم تو مسروری چه بود حاصلت از این دوری
به عیادت بیا که بیمارم
اشک حسرت ز دیده میبارم

ادامه دارد